

زبان کردی را پاس بداریم

دکتر افراسیاب شکفته

www.cskk.org

پای نهادن در جستارهای وابسته به زبان کردی از سوی یک تن بدان می‌ماند که دریانوردی تنها با یک کرجی بخواهد پهنه بی‌کران اقیانوس را بگذراند. بررسی و پژوهش جستارهای زبان شناسی، لهجه شناسی و نزدیک کردن لهجه‌ها به یکدیگر برای ایجاد زبانی استاندارد، واژه‌شناسی، ریشه‌یابی واژه‌ها و ریزه‌کاریهای دستور زبان کار یک تن نیست. مسئولان، روشنفکران، پژوهندگان، استادان، زبان شناسان، دانشمندان و کارشناسان دلسوز ملی کورد می‌بایستی عملاً و تمام عیار و بیدرنگ وارد صحنه فرهنگ هویتی خود شوند.

در جستارهای دانشی و پژوهشی بویژه در زمینه زبان کوردی، باورهای گوناگون پژوهندگان و دل‌باختگان زبان پاک و زیبای کوردی مسبب گرم‌شدن و به رونق افتادن و گسترده‌شدن گفتارها و جستارها و غنی‌شدن و ژرفا بخشیدن به این مهم می‌شود، که در واقع ستون استوار فرهنگی ما و شناسنامه ملت کورد در میان خانواده‌های ملت‌های گیتی است.

قلم زدن در ارتباط با زبان کوردی باعث گسترده‌شدن گفتگوها در این راستا، و برانگیزاندن جستارهای تازه و در خور نگرشی می‌شود که زبان کوردی و هویت کوردی بواسطه آن از میان گرد و خاک تاریخ راه راستین خود را پیدا می‌کند، و این گفتار و نوشتار به فرزندان و آیندگان ملت کورد سازمان و سامان می‌دهد و گذشته‌های تاریک را برای جوانان کورد روشن، زلال و شفاف می‌کند.

زبان کوردی یکی از کهن‌ترین، شیرین‌ترین و غنی‌ترین زبانهای دنیاست. زبان کوردی جزء زبانهایی است که حاوی استثناءهای کمتری است زیرا هر چیزی که در کوردی نوشته می‌شود همانجور هم خوانده می‌شود.

در درازای سده‌ها و هزاره‌ها، پدران و مادران و نیاکان ما روز به روز بر گسترده سخن‌گویی و محاوره به زبان کوردی افزودند و این مهم سینه به سینه در مسیر سنگلاخی تاریخ ملت کورد هم اینک به ما رسیده است که جانمایه مستند کوردیت است. بر ماست که همچون دیگر ملت‌های گیتی، خط‌نوشتاری و مصاحبت گفتاری استاندارد داشته باشیم تا ملت خود را گل‌آدین و زینت دهیم، و آن را سربلند و سرافراز کنیم.

با گذشت صدها سال هنوز هم زبان کوردی در برابر فشار واژه‌های بیگانه پایداری کرده است و تقریباً پاک و دست نخورده مانده است، لذا شیوه نگهداشت و گسترش زبان کوردی از عمده‌ترین و شاخص‌ترین وظیفه‌های مردم کورد است. اگر چه ممکن است در بعضی مناطق غباری هم بر زبان مادری مان تحمیل شده باشد اما پر واضح است که سیمرخ زبان کوردی از میان خاکسترهای وامانده زورگویان دوباره سر برخواهد گشود و موجب سرفرازی، بالندگی و وزین‌شدن ارزش ادبی فراوان آن خواهد شد.

ارزش یک زبان در شناخت روشن و درست معنی واژه‌ها و کلمات، ساده بودن، نرم بودن و گویا بودن هر واژه و هر ساخت است، که خود مفهوم بودن و شیوایی در گفتار پیوندی میان دو یا چند تن با یکدیگر را به ارمغان می‌آورد.

در طول چند قرن گذشته (بالاخص از زمان انشقاق ملت کورد، این رویداد فاجعه‌آمیز انسانی و مصیبت ویرانگر و سهمگین فرهنگی علیه ملت کورد)، زبان کوردی بطور زورمندانه زیر تیرباران واژه‌های بیگانه رفته است. بسیاری از بزرگان و تحصیلکردگان ما برای خودنمایی در گفتارها و شاید نوشتارهای خود از واژه‌های ناهنجاری غیر از کوردی استفاده می‌کنند، و مردم نیز برای دانشمندی و اینکه ما هم نوشته‌های بزرگان را خوانده‌ایم آن واژه‌ها را بی‌آنکه حتی گاه معنی واقعی آنها را بدانند به گفته‌ها و شاید در نوشته‌های خود می‌آورند. زبان کوردی تپانچه‌های فراوانی خورده است اما زانو به زمین نزده است، ممکن است در بعضی مناطق بیمار و ناتوان شده باشد اما از پای در نیامده است، زخم برداشته است اما در بستر نیفتاده است و هنوز هم سرپا است. باری چند قرن گذشته بدترین دوران زبان کوردی بوده است.

آری امروزه زبان کوردی با اینکه از دیدگاه ادبی، زبان بسیار غنی و نیرومندی است ولی ممکن است که بیمار باشد. خیلی‌ها دارند می‌کوشند تا فرهنگ چند هزار ساله ما را هضم و نابود کنند، در این سو و آن سو بسیاری می‌کوشند تا زبان دیگری را جانشین زبان کوردی کنند ولی خوشبختانه با تلاش بی‌امان، بی‌وقفه و مقاومت بی‌دریغ ملی کورد چندان کامیاب نشده‌اند.

پیچیده‌نویسی و یا درهم ریختگی زبان محاوره‌ای کوردی روند ناتوانی و آلودگی زبان کوردی است. ما بایستی شیوه‌ای را اتخاذ کنیم تا لهجه‌های زبان کوردی را به هم نزدیکتر کنیم، و از واژه‌های اصیل کوردی به شیوه‌ای پسندیده در ساده‌نویسی بصورت روشن و رسا استفاده شود تا بالاخص در مدارس و مطبوعات (صوتی، تصویری و نوشتاری) قابل تفهیم برای همگان باشد، اینجاست که نابسامانی، درهم ریختگی و آلودگی زبان کوردی را مرحم و پادمان جسته‌ایم.

به نظر می‌آید که امروزه درست کردن " فرهنگستان زبان و ادب کوردی " کاملاً ضروری است تا سیمرخ زبان کوردی از میان خاکسترها سر برافرازد و پر بگشاید و نشان دهد که زبان کوردی نه تنها مردنی نیست بلکه یکی از زبانهای بسیار نیرومند امروزی زمان ما است. زبان کوردی یکی از

پردامنه‌ترین، ژرف‌ترین، ساده‌ترین، زیباترین و شیرین‌ترین زبانهای جهان است که در درازای سده‌ها و هزاره‌ها از نیاکان‌مان به ما ارزانی یافته است.

درست است که دارنده راستین زبان هر ملت یکایک مردم آن ملت هستند، ولی بهرحال باید سازمانی و ارگانی با هموندی گروهی از پژوهندگان، دانشمندان، زبان‌شناسان و فرهیختگان همان ملت بر پا و بنیاد گذارده شود تا آنان با نگرشی کارشناسانه به ساختار، پیشینه، لهجه‌ها و ریشه‌ها و واژه‌ها و همچنین با بینش علمی و کنکاش و ژرف‌نگریهای فراوان به کیفیت استاندارد زبان تعلق و ملی خود بیفزایند. پارلمان کردستان می‌بایستی قانونی را برای بنیانگذاری " فرهنگستان زبان و ادب کوردی " به تصویب برساند. فرهنگستان زبان و ادب کوردی که بعنوان بزرگترین سازمان فرهنگی، دل در گرو فرهنگ پویای کوردی خواهد داشت، می‌بایستی برای یک جهش فرهنگی توان و نیروی اجرایی داشته باشد تا رستاخیز بزرگ فرهنگی ملت کورد رخ دهد.

فرهنگستان زبان و ادب کوردی یک نیاز ملی و فرهنگی است تا هر فرود فرهنگی را جهشی بخشد و در نهایت به فرازی تبدیل کند که خود جانمایه افتخارآمیز یک ملت است. جهشی که با آن شکوفه‌های نوی از شاخه‌های درخت پیر و کهنسال کوردی که با تبر بیگانه‌پردازی بریده شده است، سر برون کشند و آن را سامان دهد.

اگرچه ممکن است بنیانگذاری فرهنگستان زبان و ادب کوردی در ابتداء مخالفانی هم داشته باشد و یا گاه‌آ چوب لای چرخهای آن بگذارند، اما این سازمان یک تکانی به زبان کوردی خواهد داد و مردم (این دارندگان و نگهبانان راستین زبان کوردی) را بیدار و هشیار می‌کند تا به زبان مادری خود بیشتر دل ببندند. فرهنگستان زبان و ادب کوردی که یک سازمان پژوهشی و برنامه‌ریز برای زبان کوردی در حد کلان می‌باشد دارای پنج کمیته خواهد بود.

۱- کمیته برنامه‌ریزی و پژوهشی خط نوشتاری.

۲- کمیته برنامه‌ریزی و پژوهشی لهجه‌های مختلف کوردی برای دستیابی به زبانی استاندارد و رسمی.

۳- کمیته برنامه‌ریزی واژه‌ها، پالایش، ویرایش، گزینش و ساده نویسی در کتابهای درسی و مطبوعات.

۴- کمیته برنامه‌ریزی و پژوهشی برای گسترش کیفی و کمی فرهنگ لغت کوردی (و به زبانهای مختلف).

۵- کمیته برنامه‌ریزی و پژوهشی برای تقویت، نگهداشت و حفظ و گسترش زبان کوردی.

وقتیکه شورای عالی فرهنگستان پس از بررسی دقیق، پیشنهادات کمیته‌ها و گروه‌های گوناگون فرهنگستان را پذیرفت، آنگاه بایستی این پیشنهادات از طریق وزارت فرهنگ و هنر مسیر قانونی را طی کرده و به اجرا در آید. مطبوعات صوتی، تصویری و نوشتاری و همچنین کتابهای درسی نیز پوشش یابند، که این مهم زبان گفتاری، ادبیات و دستور زبان کوردی را از سستی و کاستی، و در نهایت فرزندان ما را از سردرگمی بدر خواهد آورد.

شاخه‌ای از فرهنگستان زبان و ادب کوردی می‌بایستی در سازمانهای گمرکی مستقر و هر کالای تازه‌ای که از بیرون وارد می‌شود در همانجا نام کوردی برایش برگزیند و سپس پروانه‌ء گذر به آن کالا یا کالاهای داده شود، و بازرگانی که آن کالاهای را به کردستان آورده است نیز ناگزیر باشد کالای یاد شده را با نامی که فرهنگستان برای آن گزیده، بنامد و با تبلیغ به آگاهی مردم برساند و بفروشد.

اگر این برنامه در کردستان انجام شود، تنها حدود ۱۰ سال به درازا خواهد کشید تا زبان کوردی همانند دیگر زبانهای رایج دنیا قامتی راست کند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی درصد بیسوادان در میان ملتی که دارای خط نقطه‌دار است بسیار بالاست، و در کشورهای که نقطه در خط‌شان نیست و یا کم است مردمش بسیار زودتر با سواد می‌شوند. خط با حروف عربی در واقع یک خط تصویری است یعنی هر یک از کلمات یا واژه‌ها دارای ریخت و تصویر خود است و نوآموز دبستانی و دانش‌آموز دبیرستانی می‌باید دهها هزار ریخت و شکل واژه را از بر بداند.

اما در خط لاتین، حروف هر یک ریخت و شکل ویژه خود را دارند که در نوشتار دگرگون نمی‌شوند، و با در کنار یکدیگر گذاردن آنها واژه پدید می‌آید. به آنهایی که از دگرگون شدن خط (یکسان شدن خط) می‌ترسند باید گفت که خط جزء فرهنگ ملت‌ها نیست. ترکها خط خود را دگرگون کردند ولی کوچکترین دگرگونی در فرهنگ و آیین‌شان پدید نیامد.

ما کوردها نیز اگر چنین کنیم در اندک زمانی همه نوشته‌ها و بازمانده‌های کهن با خط تازه نوشته خواهد شد و هیچ گوهری از گنجینه ادب کوردی کم و یا گم نخواهد شد. بر مسئولان و روشنفکران ملی کورد است که آینده‌نگر باشند، با داشتن خط لاتین در واقع شاید کمک شایان توجهی به آینده ملت کورد شود از این حیث که کردستان در آینده به سهولت می‌تواند به اتحادیه اروپا بپیوندد و یا اینکه زمینه‌ای برای عضویت در پیمان ناتو داشته باشد.

زبان کوردی برآستی دریایی است بی‌کرانه، زیرا گذشته از میلیونها واژه‌ایکه در زبان روزانه ما کوردها روا است، و گذشته از گنجینه بی‌مرز و اندازه نوشته‌های نو و کهن کوردی، انگیزه پیوندی بودن زبان ما و نقش پیشوندها و پسوندها در پیوند با ریشه‌ء واژه‌ها و مصدرها، زبان کوردی را بدان پایه توانا

کرده است که می‌تواند پیوسته و پیوسته واژه‌های نو بسازد و زبان کوردی را به یک زبان پویا، گویا و رسای جهانی تبدیل کند.

زبان در واقع ستون استوار ملی و ناموس فرهنگی ماست. زبان کوردی راز جاودانگی ملت کورد است و این یعنی مردمی زنده در میان خانواده مردم جهان هستیم. اگر زبان کوردی بمیرد این یعنی هیچوقت کشوری بنام کوردستان در پهنه گیتی نخواهیم داشت، اگر زبان کوردی (در هر بخش از سرزمین کوردها) سست‌مزاج و درهم‌ریخته باشد این یعنی سستی انسجام در سرزمین کردستان. برای ما کوردها که بیش از چند هزاره پیشینه تاریخی داریم زبان کوردی همانند همسر و فرزندانمان ارجمند است.

زبانی که در این درازای چشمگیر در برابر توفان‌ها، تندبادها و تند آبهای بنیاد برانداز ایستاده و همه را از سر گذرانده و هنوز هم پویا، زنده و استوار برپا ایستاده است. زبانی که تاخت و تاز نامردان را پیشیزی نشمرده و همه را خوار، ذلیل و ناتوان از خود رانده است. اکنون اگر مثنی بیگانه‌پرداز این زبان را، این ناموس ما را، این همه چیز ما را، و این ستون استوار فرهنگ ما را زیر دستبرد و دست‌یازی و دستکاری خود بگذارند و یال و کپالش را ببرند، و آرایه‌های ناهنجار بدان بیفزایند و بصورت آشکار و پنهان آن را هضم کنند، و ما خون‌سرد و بی‌نگرش از کنار این دست‌یازی‌ها و دستکاری‌ها بگذریم، و نه تنها هیچ واکنشی نشان ندهیم، که دست‌یازی و دستکاریشان را نیز بکار ببریم، آنگاه نسل‌های آینده و جهانیان به ما چه خواهند گفت؟ آیا آیندگانمان همان واژه نامرد را به ما خواهند چسباند؟ زیرا از ناموس فرهنگی آنان در برابر این دست‌بردها و دستکاری‌ها چگونه که شایسته بوده نگاهیانی نکرده‌ایم.

هموندان و روشنفکران عزیز کورد، زبان کوردی را برای ما کوردها تنها به چشم یک زبان نباید نگریم، در این زبان راز جاودانگی ما نهفته است. ظلم‌ها، ستم‌ها، کوچ اجباری، کشتار دسته‌جمعی و زنده به گور کردنها، در درازای زمان جوی خونهایی که دشمنان در سرزمین ملت کورد روا کرده‌اند، آتش و شیمیایی بارانها، و تلاش برای نسل‌کشی ملت کورد، بر کمتر مردمی در جهان روا شده است. پس چرا ما از میان نرفتیم؟ و چرا ما نابود نشدیم؟ هموندان عزیز کورد راز این ماندگاری را در زبان کوردی بجوئید. نکته این است؛ دشمنان می‌خواهند زبان ما را نابود کنند.

" آلفونس دوده " نویسنده نامدار فرانسه می‌گوید: اگر مردمی شکست بخورند ولی زبان خود را نگهدارند، همانند زندانیایی هستند که کلید زندان خویش را همراه دارند. گویی " دوده " این سخن را درست در باره ما کوردها گفته است.

" توماس مان " نویسنده نامور آلمانی در زمان هیتلر از آلمان به آمریکا رفت و شهروند این کشور شد و تا پایان زندگی (۱۹۵۵) در آمریکا بسر برد. روزی پس از بیست سال که وی ماندگار در آمریکا بود، خبرنگاری از وی پرسید: آیا شما دلتان برای آلمان سرزمین زادگاهتان تنگ نشده است؟ " مان " پاسخ داد؛ تا به زبان آلمانی سخن می‌گویم و می‌نویسم، آلمان در کنار من است.

همانطور که می‌بینیم سرزمین کوردها را بناحق و با زورمداری به پاره‌های چندی بخش کرده‌اند، و حتی میلیونها کورد را اجباراً به اقصی نقاط کوچانده‌اند و تالان کرده‌اند (هم اینک حدود ۱,۷ میلیون کورد در خراسان زندگی می‌کنند). و هر بخشی را سرکشانی زیر چیرگی گرفته‌اند (به جزء باشور که اخیراً نیمه آزاد می‌باشد) و در طول زمان یک قرن گذشته بیشتر پژوهندگان و گزارشگران پنداشتند و شاید نوشتند که از کورد و کردستان دیگر جزء نام چیزی بر جای نخواهد ماند، ولی گذشت زمان نشان می‌دهد که این پندار و گمان پایه‌ء درستی ندارد، و تکه تکه‌های کردستان بسان چکه‌های غلتیده‌ء سیماب (جیوه) که پخش شده‌اند دوباره می‌لغزند و بهم می‌پیوندند و کردستان همچنان کردستان و سرزمین ملت کورد است. چه چیزی انگیزه‌ء این بهم پیوستگی و یگانگی ملی می‌تواند باشد؟ نیرویی که این پاره‌ها را دوباره بهم خواهند چسباند همانا نیروی هم‌زبانی و کوردیت است. قلب هر کورد در هر کجای دنیا که باشد برای کوردیت و کردستان می‌تپد.

هموندان و سروران عزیز کوردم، بعنوان یک کورد که حدود ۴۰۰ سال است از سرزمین ابا و اجدادی‌ام کردستان، بواسطه کوچ اجباری در دیار خراسان (۱۸۰۰ کیلومتر دور از کردستان) می‌زیم، چه عاملی باعث شده است که دست به قلم ببرم و از زبانم، هویتم و این ناموس فرهنگی‌یم بنویسم؟ چه عاملی باعث شده است که در کشور انگلستان ارگانی را بپا کنیم تا مطالبات کوردی خود را در خراسان از این طریق بجوییم؟

مردم بخشهای از یکدیگر جدا شده در پهنه‌ء کردستان، آنگاه که می‌بینند آن ماندگاران بخشهای جدا شده از آنان نیز بهمان زبانی سخن می‌گویند که مادرشان به آنها یاد داده است، ناخودآگاه کشش و دلبستگی در آنها پیدا می‌شود، و این کشش و دلبستگی دستمایه‌ء پیوستگی و همبستگی دوباره میان بخشهای پاره شده‌ء کردستان می‌شود. این است قدرت و کشش زبان کوردی، و این است آن چسبی که سرنوشت ما کوردها را به یکدیگر می‌چسباند و ما را به همدیگر گره داده است.

از نظر عاطفی و روابط انسانی مرزهای جعلی جغرافیایی، شاید از دیدگاه دولتها اعتبار داشته باشد، ولی در نظر ملتها چنین نیست. هیچ کوه سر به فلک کشیده‌ای هم نمی‌تواند دل‌های ساکنان مهاباد و دیاربکر و سلیمانیه و دوهوک و قامیشلو و کوردهای خراسان را از هم جدا کند. هیچ دیوار آهنین و سیم خاردار نمی‌تواند بر کشش‌های همبستگی سورانی‌ها و کرمانجها غلبه نماید، بلکه در دنیای مدرن امروزی لهجه‌های آنان هر روز بهم نزدیکتر و نزدیکتر می‌شود، همان مسیری را طی می‌کند که لهجه‌های مختلف آلمانی طی کرده است تا زبان استاندارد آلمانی امروزی را بوجود آورد.

اگر امروز می‌توانیم بخود بیالیم و بنازیم که هنوز مردمی زنده در میان خانواده‌ء مردم جهان هستیم، این نازش را وامدار همین زبان هستیم. با استواری می‌توان گفت که اگر زبان کوردی مرده بود، امروز سرزمینی به نام کردستان و مردمی به نام کورد در پهنه‌ء گیتی دیده نمی‌شدند، زیرا ما کلید زندان خود را که

همراه داشتیم گم نکردیم و توانسته‌ایم از زندانهای شکست از سوی بیگانگان بیرون بیاییم و داریم بیرون می‌آییم. درود فراوان بر رشادت، مقاومت و استواری ملی کورد.

سروران عزیز کوردم، زبان کوردی را تنها بچشم ابزاری ساده برای گفت و گو نگاه نکنیم. این زبان دیواره‌هنگهبان ما، انگیزه‌ه یکپارچگی‌مان، و جنگ‌افزار جاودانگی‌مان در برابر انبوه دشمنان درنده و تا بن دندان مسلح در درازای سرگذشت دراز ما بوده و هست و تا ابد خواهد بود. زبان کوردی یکی از زبانهای فرهنگی، زنده و استوار جهان امروز است. زبان کوردی یکی از زبانهای رسا، شیوا، غنی و فاخر جهان است.

زبان کوردی یک زبان فرهنگی است. زبان فرهنگی به زبانی می‌گویند که همزمان با پیشرفت دانش‌های نوین و فن‌آرئیهای تکنولوژیکی توان واژه‌سازی برای نوساخته‌های جهان را داشته باشد. به بیان دیگر زبان فرهنگی، زبانی است که بتواند پاسخگویی فرآورده‌های دانشهای پیچیده و گسترده جهان امروز باشد. اگر زبانهای اروپایی توان همگامی با دانش‌های نو را داشته باشند، پس زبان کوردی هم دارد. زبان کوردی همانند بیشتر زبانهای اروپایی یک زبان کاربردی است، یک زبان پیوندی (صرفی) است و در خانواده‌ه زبانهای هند و اروپایی جای دارد. بر این پایه اگر زبانهای اروپایی بتوانند برای پدیده‌های دانش‌های نوین واژه بسازند بی‌گمان زبان کوردی هم این توان را دارد.

زبان‌شناسان بر این باورند که بکارگیری ۸ تا ۱۰ درصد از واژه‌های بیگانه در زبان ملی هر ملتی می‌تواند بی‌زیان باشد، ولی هر چه بیشتر از آن باشد آن را زیانمندتر و حتی مرگ‌آورتر می‌دانند.

شوربختانه پس از جولان‌دادن بیگانگان در سرزمین کردستان، دروازه‌های این زبان را شکستند و واژه‌های بیگانه بدرون زبان ما ریختند و آن را آلودند. با اینهمه زبان کوردی دارای یک ویژگی در خور نگرش است و آن این است که مردم کورد با انگیزه روی آوردن به ریشه‌ه راستین خود زبان کوردی را از میان آلودگی‌ها سربلند کرده، و واژه‌های بیگانه را مانند یاخته‌های ناجوری که یک پیکر زنده واپس می‌زند از خود می‌زداید و بجای آن واژه‌های ریشه‌دار و ناب خود را می‌رویاند، و همین ویژگی است که پس از قرن‌ها زبان کوردی را هنوز زنده نگهداشته است و کماکان سرگرم گرد و خاک زدایی از پیکر خویش است. این جنبش، یعنی جنبش پالایش و پیرایش زبان نیاکانی خویش را باید تا آنجا که می‌توانیم شتاب دهیم زیرا زبان ما آمادگی و توان آن را دارد که گسترده و نیرومند و پاک بشود.

در طول تاریخ ناخوشایند زبان کوردی، درون‌ریزی واژه‌های بیگانه زبان‌مان را در هر کدام از بخشهای کردستان و مناطق کردنشین، از حالت یک‌زبانی بیرون آورده، و زبان پاک و ساده و رسای کوردی را آلوده و دشوار کرده است. گروهی این و گروهی آن واژه‌های بیگانه را بکار می‌برند، و چه بسا که شنونده برای پی‌بردن به معنای راستین آنچه که گوینده می‌گوید یا نویسنده می‌نویسد، به دشواری می‌افتد، و گاه یکسره

نمی‌داند که خواست گوینده یا نویسنده چیست. در جایی که می‌دانیم گفتار و سپس نوشتار از آغاز برای این پدید آمد که گوینده یا نویسنده بیاری آنها بتواند خواستهای درونی خود را به شنونده و خواننده بفهماند. این کار در گرو آن است که هم گوینده و هم شنونده واژه‌ها را بخوبی بشناسند و نیازی به جستجو در ژرفای مغزشان برای شناختن معنای آنها نباشد. سخن و زبان درست آن است که یکدست، روان، رسا، ساده و شیوا باشد نه اینکه واژه‌های بیگانه را بکار برد که معنای آن شناخته و روشن و استوار نباشد تا هر کوردی آن را دریابد.

یک زبان زنده در جهان بر پایهء دستور آن زبان استوار است و هر زبانی که در آن استثناءهای دستوری کمتر باشد فراگیری آن آسان‌تر و استخوان‌بندی آن استوارتر است. مزیت یک زبان و رسایی یک زبان در این است که آیین‌نامه‌ها و روشهای دستوری آن را درست و در همه جا یکسان بکار گیرند. زبان کوردی با اینکه یک زبان پایه‌ای و ریشه‌دار است و روشهای دستوری آن نیز می‌باید مانند دیگر زبانهای زنده گیتی استوار و همه‌گیر باشد با اینهمه برخی از دستورهای زبان کوردی نارسا و گسترده‌گی خود را در پهنه سرزمین کوردنشین پیدا نکرده است. بی‌گمان در اینجا گناه از زبان نیست، زیرا دستورهای زبان بجای خود استوار و گسترده و همه‌گیر می‌تواند بشود، بلکه این گناه از گویندگان، نویسندگان، روشنفکران و مسئولان کوردی است که هنوز به این مهم توجه نکرده‌اند، و نسلهای آینده این کوتاهی را به ما نخواهند بخشید.

نام ما شناسنامهء فرهنگی ما است. نامی را که پدر و مادر بر روی فرزندان خود می‌گذارند اثری ژرف و شگفت بر روی منش و رفتار و خوی آن فرزند در دوران زندگی او دارد. نام، خود یکی از ویژگیهای ملی و یکی از نشانه‌های فرهنگی هر ملت و هر کشوری است. همانگونه که زبان، آیین‌ها و هنرها از پایه‌های استوار فرهنگ یک ملت است، نام مردم هر سرزمین نیز یکی از نشانه‌های شناسایی آنان از سرزمینهای دیگر است و حتی مذهب و کیش و دین یکسان یا غیر یکسان نیز نمی‌تواند در این ویژگیها دست ببرد.

اینجاست که درمی‌یابیم نیروی " زبان و فرهنگ هر ملت " بسی بیشتر از نیروی " مذهب و دین " آن ملت است. بایستی در نامگذاری فرزندانمان موشکافی و باریک‌بینی بسیار روا بداریم و در این ارتباط به چهار نکته در خور نگرشی با استواری توجه داشته باشیم؛

۱- نام بایستی کوردی و نمایاننده ملت کورد، و شایسته و برانگیزاننده فراتنی دارنده خود باشد.

۲- نام نمی‌باید دور از اندیشه و ناآشنا به گفتار روزانه باشد.

۳- نام می‌باید خوش‌آهنگ، گوش‌نواز و زیبا باشد.

۴- نام می‌باید بجا و شایسته و وضع کالبدی، اندامی و روانی دارنده خود باشد.

گاهاً اینجا و آنجا که در راه انسجام، پالایش، پیرایش و استاندارد کردن زبان کوردی سخن رانده می‌شود، با شگفتی می‌برم که گروهی با گرایش به سوی پالودگی زبان از آلودگی‌های آن سرستیز دارند و

این برابری شگفت‌آور است که مردمی نخواهد زبان فرهنگی‌شان پاک و استاندارد بشود، و در صحنه گیتی قد علم کند.

بی‌گمان فرهنگستان زبان و ادب کوردی، باید برای هر ملتی باشد تا مردم را در راه بکاربردن و استاندارد کردن زبان و ساختن واژه‌های درست، همه‌گیر، شیوا و خوش‌آهنگ راهبری و راهنمایی کند، به‌رحال این مردم هستند که می‌توانند در نهایت آن را در محاوره روزانه بپذیرند و یا نپذیرند.

زبان، گذشته از اینکه شناسنامه هر ملت و نماد فرهنگی آن ملت است، آیین‌های خواستهای درونی و نماینده خوی و پسند او نیز هست. بنابر این پسند و خواست و خوی کوردها با دیگران از هم جداست. چون زبانها را ملتها می‌سازند و خواست و خوی ملتها نیز با هم یکی نیستند بر این پایه واژه‌های بیگانه در ساختهای کوردی و در گفتار کوردی، ناجور و ناهم‌رنگ هستند. و هر کوردی در برابری میان دو واژه کوردی و بیگانه که یک معنی دارند، ناخودآگاه از شنیدن و گفتن واژه‌های کوردی لذت می‌برد، و واژه‌های کوردی به گوش او آهنگین‌تر و زیباتر می‌نماید. پس خواست و خوی ملتها نقش بسیار چشمگیری در ساخت و بکارگیری واژه‌ها دارد.

مردمی که زبانشان کوردی است، مردمی که زبانشان را در برابر تاخت و تاز پی‌گیر و گاه‌ا خوشونت‌آمیز واژه‌های بیگانه تا به امروز زنده نگهداشته‌اند، مردمی که این ستون فرهنگی را از فراسوی سده‌ها و هزاره‌ها تا به امروز سرپا نگهداشته‌اند، خود بهترین نگهبان و بهترین داور هستند. مردمی که پذیرفته‌اند تا در میان ملت‌های گیتی شناسنامه فرهنگی‌شان زبان کوردی باشد، دارنده و داور راستین این زبان هستند، و بی‌گمان با هم آن را تا ابد نگاه خواهند داشت.

سروران و عزیزان کورد، این درست است که تازیانه بیگانگان سنگدل بر پیکره فرهنگی ما فرود آمده است، رنگ خون و آتش افق روشن سرزمین و فرهنگ ما را ارغوانی کرده است، شیرازه زبانی و فرهنگی ما را از هم گسیخته است، هر گوشه از پیکر سرزمین‌مان زیر آتش جنگی بیگانگان نیم‌سوخته است، شهرها و روستاهای ما را ویران، مادران ما را داغدار و پدران ما را سوگوار کرده است، ولی این آسیبها ادب کوردی را پخته‌تر، دل‌انگیزتر و پرسوزتر کرده است، همانگونه که پر و بال سوخته‌تر و ناتوان‌تر هم کرده است.

این دانشمندان، پژوهشگران و زبان‌شناسان و کارشناسان دلسوز کورد هستند که می‌بایستی به زبان و فرهنگ خود سامان دهند و آنرا بیالایند و ارج نهند. ادب و زبان هر ملت در دل و جان آن ملت جای دارند، چونکه بدون کوشش مردم زبان و فرهنگ آنان از میان می‌رود. اینجاست که در درازای تاریخ پر فراز و فرود و پر جنب و جوش ما کوردها، نیاکانمان زبان و فرهنگ کوردی را پاس داشته و از سینه تاریخ به آیندگان سپرده‌اند، و ما نیز بایستی چنین کنیم و همساز با دنیای فرهنگی مدرن گام برداریم.

زبان خود را پاس بداریم، با آن شوخی نکنیم، آن را کوچک نشماریم. بزرگ بداریمش، و در پناه آن جاودانگی خود را بیمه کنیم.

آری زبان و فرهنگ کوردی پویا، زنده، بارور و جاودانه است و در برابر هیچ تندبادی خم به ابرو نخواهد آورد.

دکتر افراسیاب شکفته (کاوه خراسانی)
انجمن فرهنگی و مدنی کردهای خراسان
انگلستان - سپتامبر ۲۰۰۸